

نگاه

فراز و فرودهای زندگی استاد

◀ موزه هنر؛ ماجراهای شگفت‌انگیز عزت‌الله سینمای ایران در کنار مشایبی، مهرجویی و احمدی نژاد!
 دریا فرج پور بازیگری در حد و اندازه عزت‌الله انتظامی بی‌شک در عمر طولانی پر بارش با نقاط عطف فراوانی مواجه شده است. نقاطی که تأثیری عمیق بر زندگی هنرمند گذاشته و او را وارد مرحله‌ای دیگر از زندگی‌اش می‌کند. آن چه در پی می‌آید، شماری از رخداد‌های نقطه‌عطف ماندنی است که می‌شود تأثیرش را در زندگی و کار استاد به مشاهده نشست یا ابتلای او را به حواشی ناشی از این رخدادها به تجربه حس کرد. البته قطعاً این فهرست می‌توانست طول و تفصیل بیشتری داشته باشد و اتفاقاتی چون آغاز کار در سینما با فیلم گاو، انقلاب ایران و آغاز روند ستاره شدن انتظامی، درگیری‌های دنباله‌دار بازیگران هم‌نسل انتظامی از جمله اساتیدی چون مشایخی، نصیریان، کشاورز و... نیز در این مطلب نباید سرفه‌بر لاین
 شاید بشود نخستین نقطه عطف زندگی عزت‌الله انتظامی را ماجرای سفرش به آلمان دانست. سفری به خط اول نبرد جنگ سرد در روز روزگاری که هنرمندان را از سیاست‌گریزی نبود. آن روزها عزت‌الله انتظامی تازه در اداره هنرهای دراماتیک جایگاهی به دست آورده بود. روزهای نامیدی و سردرگمی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود، روزهایی که طرفداران شاه سال‌های تئاتر را که در آن روزگار بیشتر شان چپ بودند، آتش می‌زدند. در چنان روزهایی بود که انتظامی به آلمان غربی رفت تا در آن سامان دانش خود را در تئاتر به‌روز کند. استاد خود درباره آن روزها گفته که در کنار درس خواندن، چند سالی در یک کارخانه مشغول به کار بوده تا بتواند خرج زندگی و تحصیل را در آورد. او هم‌زمان با کارگری اما از تئاتر غافل نبود و بعد از کارش شب‌ها به کلاس‌های شبانه سینما و تئاتر می‌رفت. این دوره ۴ سال طول کشید، اما می‌توان تأثیرش را در نیم قرن بعدی کارنامه عزت‌الله سینمای ایران به وضوح به تماشا نشست.

کنش و واکنش‌های سیاسی

عزت‌الله انتظامی اصولاً جزو بازیگرانی نبود که در افواه سیاسی خوانده می‌شوند. او چه قبل و چه بعد از انقلاب سرش به کار خودش بود و البته این سر به خود داشتن به معنای بی‌واکنشی نبود و اتفاقاً همین هم‌باعت شده که این بازیگر از بابت این موضوع نه چندان طبیعی که در چهار دهه فعالیت خود در سینما و تلویزیون بعد از انقلاب ممنوع‌التصویر و ممنوع‌الکار نشده و زیر سوال نرفته است. انتظامی اما در سال‌های جوانی چنین دور از سیاست نبوده و حتی زندان را هم تجربه کرده بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد در روزهایی که بیشتر تئاترها را آتش زدند و هنرپیشه‌ها را گرفتند، انتظامی نیز در بین دستگیر شده‌ها بود. او گفته که او را در زندان قصر در سلول‌های نداشتند بودند که از قضا احمد شاملو هم در آنجا بود.

همراه شدن با احمدی نژاد و مشایبی!

شاید برای عزت‌الله انتظامی که پس از آن دوره پرشور و شور جوانی همواره کوشیده بود از سیاست فراری باشد، این نکته که رسانه‌ها در دوره‌ای او را از اعضای تیم احمدی نژاد نامیدند، اتفاقی غیر قابل تحمل بود. اتفاقی که خیلی زود با توضیحات خود انتظامی روشن شد تا حواشی‌ای که برای یکی از محترم‌ترین بازیگران تاریخ این دیار ایجاد شده بود، مابقی چندانی نداشت. باشد این بازیگر گفته بود که از طرف دفتر ریاست جمهوری و شخص رحیم‌مشایبی به‌طور ناخواسته به آن جا کشیده شده بود.

درگیری با داریوش مهرجویی

این یکی از عجیب‌ترین رخداد‌های زندگی انتظامی است. بازیگری که از سال ۴۵ یا ۴۶ با داریوش مهرجویی همکاری و دوستی مداومی داشته و به این دلیل به ذهن کمتر کسی می‌رسد که این دو آن هم در یک مراسم عمومی از خجالت هم درآیند. فکر می‌کنم جشن خانه سینما بود، شاید هم جشن حافظ که عزت‌الله انتظامی روی صحنه بعد از گفتن خاطراتی درباره فیلم گاو افزود که هنوز هم دست‌نمزد آن فیلم را از مهرجویی طلب دارد و داریوش مهرجویی هیچ‌گاه زیر بار پرداخت بدیهی‌اش نرفته و او را همیشه سسر دوانده است. مهرجویی که انگار بابت باز شدن این مطلب روی صحنه ناراحت شده بود، اما جواب حمله انتظامی را با حمله تندتری داد و در حالی که لحن و لهجه انتظامی را به نحو شگفت‌انگیزی تقلید می‌کرد، او را متهم به کاسب‌کاری کرده تا یکی از عجیب‌ترین دعوای سینمای ایران پیش چشم تماشاگران مراسم شکل گرفته باشد.



دنوشته‌ها

رضا کیانیان: عزت‌الله انتظامی، بازیگرترین معاصر ایران در گذشت، خوش به حال اهالی بهشت.



امیر جعفری: یک عمر با عزت... مرگ با عزت زیاد... آقای سینما



صابر ابر: یادم هست این جمله را که همیشه قبل از شروع پلان می‌گفتید: «خدا یا آبروی ما را ببر». حالا می‌فهمم که خدا صدای شما را خوب می‌شنید، عاقبت به خیر شدن همین است. جایتان سبز؛ عزت‌الله انتظامی.



محمد رضا شریفی نیا: تسلیت. همراهان یاد و شقایق همسفر نور شدند.



ابوالحسن داودی: عزت‌الله انتظامی کسی بود که برای سینما حکم «راهبر» داشت و با رفتنش جامعه سینمایی بی‌سر و راهبر شده است.



هدیه تهرانی: نگاه کن که من کجا رسیده‌ام، به کهکشان. به بی‌کبران، به جاودان



حسین پاکدل: در سفر زندگی آمد و شد کار ماسست... به یاد عروج عزت سینما و تئاتر ایران



حبیب رضایی: چقدر هراس بود از این خبر «استاد عزت‌الله انتظامی سساعاتی پیش...» بازیگری، هنر و روزگار امروز دل به عزت‌تش گرم می‌کرد... که رفت...



عاطفه رضوی: خالی ست جایست در دلم تا جاودان خالی ست



آتیلا پسیانی: عمو عزت رفت، چقدر غیر قابل باوره یکی از سرمایه‌های هنر ایران پر کشید و رفت. آثار عزت سینمای ایران باقیست اما، یاد نیک و پر افتخارش برای همیشه در یاد و دل‌های ما جاودانه می‌ماند.



مهدی فخیم‌زاده: سال‌ها پیش وقتی هنوز دانشجو بودم این شناسنامه دست آوردم که در نمایشنامه کرگردن اثر اوژن یونسکو و به کارگردانی حمید سمندریان با آقای بازیگر، افتخار تئاتر و سینمای ایران همبازی شوم. این همکاری برای من ثمراتی فراموش‌نشدنی به همراه داشت.



جواد عزتی: دیر یا زود دور هم جمع خواهیم شد.



رسول صدرعاملی: تسلیت، دوست داشت تو لاله‌زار راه بره.



رامین برجمی: راوی قصه‌های سه نسل به دنیای قصه‌هایش پیوست.



آقای بازیگر در گذشت. این تلخ‌ترین خبری بود که دیروز سینمادوستان شنیدند؛ خبری که سینمای ایران را عازدار مردی کرد که به‌درستی عزت‌الله سینمای ایران بود. عزت‌الله انتظامی زمان درگذشت ۹۴ سال داشت؛ ۹۴ سال پربار و پربرکت؛ ۹۴ سال دانستگی و دانایی؛ ۹۴ سال تنفس در هوای فرهنگ و هنر. او به‌راستی که عصاره بازیگری سینما و تئاتر فرهیخته این مرز و بوم بود؛ با آثاری چون گاو، آقای هالو، هزارستان، اجاره نشین‌ها، هامون، بانو، حکم، روسری آبی و ده‌ها و ده‌ها اثر سینمایی و البته تئاتری و تلویزیونی دیگر.



گزین گوینده‌های عزت‌الله انتظامی در تمام سال‌های بازیگری

من عزت‌الله انتظامی‌ام نه آل‌پاچینو!

نقاط و نکات حساس و جنجالی زندگی عزت‌الله انتظامی از زبان خود استاد انتظامی چرا پیشنهاد ایتالیایی‌ها را برای مهاجرت نپذیرفت؛ و چندین و چند سوال حاشیه‌ای دیگر...

عکس: مهدی حسینی / شهر وند

اولیه «پاداش» برمی‌گردد به آن سفر. من در سفر حج با هنرمندان در تمام لحظات سفر کنار آقای انتظامی بودم و حتی سعی می‌کردم هنگام بجا آوردن اعمال هم ایشان را تنها نگذارم. آنجا بود که روحانی کاروان توضیح می‌داد که برای هر بار طواف به دور خانه خدا باید دعای مخصوص آن دور خوانده شود؛ مانند دعای دور اول، دوم تا دور هفتم، یاد می‌آید که آقای انتظامی به من گفت کمال من چه کار کنم؟ من که نمی‌توانم این دعاها را حفظ کنم و بخوانم... من هم در جواب گفتم آقای انتظامی هر چه که دلت می‌خواهد به خدا بگو. ببین چه دوست داری بگویی، همان را به خدا بگو. آقای انتظامی هم گفت کمال دمت گرم! این شد ایده و جرقه اولیه برای ساخت فیلم «پاداش».

ماجرای نه گفتن به ریچارد دهر یسون

اما چند سال قبل، استاد انتظامی در یادداشتی که منتشر کرد، روایت جالبی از نه گفتن به ریچارد هر یسون برای حضور یافتن در سینمای ایتالیا بازگو کرد. ماجرا از این قرار بود که آقای انتظامی در زمان فیلم حاجی و اشنگتن با ریچارد هر یسون همبازی بوده و بعد از اینکه فیلمبرداری فیلم تمام می‌شود، هر یسون از انتظامی دعوت می‌کند تا به ایتالیا برود و در آنجا ماندگار شود.

آن‌طور که آقای انتظامی تعریف کرده، ریچارد هر یسون به او گفته که دست زن و بی‌جهت را بگیر و بیا اینجا و همه‌چیز امکان‌اتنی را برایت فراهم می‌کنم، اما انتظامی بعد از چند روز فکر کردن به این نتیجه می‌رسد که ایتالیا به درد او نمی‌خورد. هر یسون به استاد انتظامی گفته بود که آنجا نقش برای تو زیاد است ولی خود آقای انتظامی می‌دانست که میان ایتالیایی‌ها و آمریکایی‌های قدبلند یا باید درل طیاره‌ده‌ها را بازی می‌کرد یا درل آدمکش‌ها را. به همین دلیل محکم و قاطع دعوتش را رد می‌کند. به اعتقاد آقای انتظامی، اگر آن روز این دعوت را پذیرفته بود، الان یادش از ذهن مردم ایران پاک شده بود.

روایت جالب کمال تبریزی از همسفر شدن با انتظامی در سفر حج

من کم‌به‌سفر حج نرفته‌ام، اما یک‌بار آن مربوط به زمانی می‌شد که با هنرمندان به خانه خدا مشرف شدیم و ایده

روستایی می‌رود که مهرجویی حدود ۴۰ سال پیش فیلم مشهور گاورا در آنجا ساخته است.

ماجرای نذر عزت‌الله انتظامی برای امام رضا (ع)

انتظامی که در فیلم «شب» رسول صدرعاملی با موضوع زائران حرم امام رضا (ع) نقش قابل توجهی ایفا کرده، در این باره می‌گوید: بازی من در فیلم شب، بدون کمک امام رضا (ع) ممکن نبود.

اشاره انتظامی به سختی‌هایی است که به دلیل سن زیاد برای او به وجود آمده و باعث شده بازی برای او در فیلم‌ها و سریال‌ها دشوار باشد.

ماجرای نه گفتن به ریچارد دهر یسون

اما چند سال قبل، استاد انتظامی در یادداشتی که منتشر کرد، روایت جالبی از نه گفتن به ریچارد هر یسون برای حضور یافتن در سینمای ایتالیا بازگو کرد. ماجرا از این قرار بود که آقای انتظامی در زمان فیلم حاجی و اشنگتن با ریچارد هر یسون همبازی بوده و بعد از اینکه فیلمبرداری فیلم تمام می‌شود، هر یسون از انتظامی دعوت می‌کند تا به ایتالیا برود و در آنجا ماندگار شود.

آن‌طور که آقای انتظامی تعریف کرده، ریچارد هر یسون به او گفته که دست زن و بی‌جهت را بگیر و بیا اینجا و همه‌چیز امکان‌اتنی را برایت فراهم می‌کنم، اما انتظامی بعد از چند روز فکر کردن به این نتیجه می‌رسد که ایتالیا به درد او نمی‌خورد. هر یسون به استاد انتظامی گفته بود که آنجا نقش برای تو زیاد است ولی خود آقای انتظامی می‌دانست که میان ایتالیایی‌ها و آمریکایی‌های قدبلند یا باید درل طیاره‌ده‌ها را بازی می‌کرد یا درل آدمکش‌ها را. به همین دلیل محکم و قاطع دعوتش را رد می‌کند. به اعتقاد آقای انتظامی، اگر آن روز این دعوت را پذیرفته بود، الان یادش از ذهن مردم ایران پاک شده بود.

روایت جالب کمال تبریزی از همسفر شدن با انتظامی در سفر حج

من کم‌به‌سفر حج نرفته‌ام، اما یک‌بار آن مربوط به زمانی می‌شد که با هنرمندان به خانه خدا مشرف شدیم و ایده

محمد تاجیک | عزت‌الله انتظامی که در ۳۱ خرداد ۱۳۰۳ در محله سنگلج تهران پا به این دنیا گذاشته بود، در طول نزدیک به یک قرن زندگی و در حدود هفت‌دهه فعالیت هنری خود بی‌شک درس‌های زیادی از این دنیا آموخته و آموزانده بود. درس‌هایی که می‌شد جلوه عینی آنها را در روش و منش و سلوک انتظامی چه به‌عنوان یک هنرمند و چه به‌عنوان یک انسان به تماشا نشست. او که گفته بود جایگاه رفیعش را در بازیگری بیش از این که مرهون فیلم‌هایی که بازی کرده است، باشد، مدیون فیلم‌هایی است که بازی نکرده؛ با گفتن این جمله ظاهراً شعاری که: اگر از گرسنگی بمیرم فیلم بد بازی نمی‌کنم؛ درس کاملش به بازیگران جوان را نمایش عینی داده بود؛ مثل ده‌ها و ده‌ها گفته و مصاحبه دیگر که در طول دوران پربار کارنامه‌اش منش و روش سلوک این بزرگ عرصه بازیگری را بروز عینی داده بود.

آن چه در پی می‌آید مروری است بر گفته‌های جذاب و مهم استاد عزت‌الله انتظامی در گفت‌وگوهای رسانه‌ای و مطبوعاتی‌اش در تمام این سال‌ها؛ گفته‌هایی که در گذر زمان درس‌هایی شده‌اند برای رفع عطش دانایی هنرآموزان و هنر جوانان.

من فقط عزت‌الله انتظامی‌ام

آقای انتظامی به‌عنوان آقای بازیگر سینمای ایران شناخته شده است، اما گویا خودش چندان از این عنوان راضی نبود. به همین دلیل زمانی در واکنش به چنین عنوانی گفته بود: «دوستان مطبوعاتی خیلی لطف کرده‌اند که این لقب را به من داده‌اند، ولی راستش را بخواهید من خیلی اقای‌نستم. من فقط عزت‌الله انتظامی‌ام».

عزت‌الله انتظامی، شون کانی سینمای ایران

اما بد نیست بدانید که یک فیلمساز انگلیسی (مارک کازینز) سال‌ها قبل مستندی درباره سینمای ایران با عنوان «سینمای ایران» ساخته بود که در آن از انتظامی به‌عنوان شون کانی سینمای ایران نام برده بود.

این ساخته مارک کازینز از جمله فیلم‌هایی بود که در جشنواره فیلم‌های ایرانی در سان فرانسیسکو به نمایش درآمد. در بخش‌هایی از این فیلم، دوربین کازینز به ایران رفته و همراه با داریوش مهرجویی و عزت‌الله انتظامی که فیلمساز او را شون کانی ایران معرفی می‌کند، به

